

روزشمار جنگ

چهارشنبه

۱۰ شهریور ۱۳۶۱

۱۲ ذی‌قعدة ۱۴۰۲

۱ سپتامبر ۱۹۸۲

۱۴۵

ارتش عراق در آینده نزدیک، برای جلوگیری از حملات ایران، از سلاح‌های شیمیایی استفاده خواهد کرد. بر اساس اظهارات یکی از نظامیان عراقی که اخیراً به ایران پناهنده شده است، تیپ ۳۸ پیاده عراق به سلاح‌های شیمیایی مجهز شده است و به همه نیروهای این تیپ نیز، ماسک ضدشیمیایی داده و به آنان گفته‌اند که در صورت حمله نیروهای ایرانی، عراق، از سلاح‌های شیمیایی استفاده خواهد کرد.^(۱)*

سفیر عراق در کویت نیز در یک محفل سیاسی خصوصی گفته است، در طول روزهای آینده، عراق با سلاح‌های شیمیایی به ایران حمله خواهد کرد. وی همچنین گفت: در روزهای آینده سیصد هزار دست لباس ضد مواد شیمیایی که از کره جنوبی خریداری شده است نیز تحویل کشور متبوعش می‌شود. گفته می‌شود اجناس خریداری شده دوهفته دیگر از طریق کویت به عراق ارسال خواهد شد.^(۲)

۱۴۶

ارسال سلاح و مهمات از کشورهای عربی منطقه به عراق، امروز نیز ادامه یافت. امروز ۲۱ خودرو حامل وسایل و تجهیزات نظامی ارسالی از کشور اردن از طریق "الورار - فلوجه" به پادگان "التاجی" عراق حمل شد.^(۳) همچنین ۴۷ تریلر حامل مهمات از نقطه مرزی "نویسیب" به طرف "عبدلی" حرکت کرده‌اند.^(۴)

۱۴۷

در ادامه نارضایتی مردم و نظامیان عراق از رژیم صدام، روند پناهنده شدن مردم این کشور به جمهوری اسلامی و اعتراض آنان به حکومت تداوم یافت. امروز بیست تن از اهالی شهرهای بغداد، سلیمانیه و کرکوک عراق با عبور از مرزهای غربی ایران، به کشورمان پناهنده شدند. در

* گفتنی است، اسیران عراقی نیز چنین اخباری را نقل کرده بودند. رجوع شود به روزشمار ۱۳۶۱/۶/۱.

بین این افراد، دو مهندس، یک کارمند دانشگاه، یک کارمند وزارت صنایع عراق و شش دانش‌آموز دیده می‌شوند.^(۵) در این روز مردم شهرهای سلیمانیه، شانه‌دری و سیدصادق نیز در اعتراض به حکومت عراق برای چندمین بار در خیابان‌های این شهر تظاهرات کردند که با آتش رگبار نیروهای امنیتی عراق، ۴ تن از آنان به شهادت رسیدند.^(۶)

۱۴۸

امروز شهرهای بوکان و پیرانشهر و محور میاندوآب به بوکان عرصه درگیری نیروهای امنیتی ایران و عناصر وابسته به گروه‌های غیرقانونی بود و تعدادی از آنها نیز خود را تسلیم نیروهای امنیتی کردند. تعدادی از عناصر مسلح غیرقانونی پس از ورود به شهر بوکان، به یک دکل برق آسیب رساندند. این اقدام سبب قطع برق قسمتی از شهر شد. در پی این تهاجم، پاسداران انقلاب به مقابله با شورشیان مسلح پرداختند که بر اثر آن، ۳ تن از مهاجمان کشته شدند و بقیه آنها از محل گریختند.^(۷)

همچنین در حوالی پیرانشهر، عناصر مسلح گروه‌های تجزیه‌طلب، پس از اجرای آتش بر روی پایگاه نیروهای ارتش در ارتفاعات "بادیز" به این مقر حمله کردند. این حمله، با حضور و کمک نیروهای بسیج و سپاه پاسداران سرکوب شد و مهاجمان به ناچار گریختند. در این درگیری، یک تن از نیروهای مدافع شهید شد و ۷ تن دیگر زخمی شدند.^(۸) همچنین تعدادی از افراد گروه‌های شورشی، امروز ۲ کمپرسی شخصی را در محور میاندوآب - بوکان ربودند و رانندگان آنها را گروگان گرفتند.^(۹)

۶ تن از عناصر گروه‌های تجزیه‌طلب در غرب کشور، تسلیم نیروهای خودی شدند. این عده با تحویل ۳ اسلحه کمری و یک اسلحه "ام - یک"، خود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرهای سنندج و بانه تسلیم کردند و امان‌نامه گرفتند.^(۱۰)

۱۴۹

شهر تهران، امروز نیز شاهد چند عملیات تروریستی بود. جوخه‌های ترور سازمان مجاهدین خلق باز هم تعدادی از شهروندان عادی و بی‌گناه تهران را به خاک و خون کشیدند. عناصر سازمان مجاهدین ساعت ۹:۳۰ صبح امروز فردی را در خیابان ستارخان به شهادت رساندند و از محل گریختند. همچنین عناصر این سازمان در خیابان اتابک، پس از مجروح کردن یک مغازه‌دار، موتور وی را ربودند و متواری شدند.

در خیابان ۱۶ متری اردیبهشت نیز یک تیم ترور این سازمان، ساعت ۱۱:۴۰ صبح، یک پارچه فروش را ترور کرده و به شهادت رساند.

همچنین در نتیجه حمله ۲ تن از اعضای این سازمان به یک مغازه فرش فروشی در سرچشمه تهران، شاگرد مغازه به شهادت رسید. مردم حاضر در محل موفق شدند یکی از افراد مهاجم را دستگیر کنند، اما تروریست دیگر از محل درگیری گریخت.^(۱۱)

۱۵۰

در پی فرار یک هلی کوپتر به خاک ترکیه، فرماندهی منطقه ۵ سپاه (آذربایجان) در گزارشی به فرماندهی کل سپاه نوشت: «هلی کوپتر مزبور به بهانه امتحان پرواز، بلند شده و با ۴ سرنشین به ترکیه رفته و طبق اعلام قرارگاه حمزه در تماس‌های مقامات مرکز با مقامات ترکیه قرار شده ظرف چند روز آینده چند نفر از ایران رفته و هلی کوپتر را بیاورند. اضافه می‌شود این پنجمین بار است که از سال گذشته هلی کوپتری به این نحو به ترکیه می‌رود.»^(۱۲)

۱۵۱

محاکمه دو تن از هم‌دستان صادق قطب‌زاده به نام‌های حسین شاه‌ویسی و داراب فروزان که از ۱۸ فروردین ۱۳۶۱، در بازداشت به سر می‌برند، امروز در دادگاه انقلاب اسلامی ارتش شروع شد. اتهامات شاه‌ویسی عبارت است از: شرکت در توطئه براندازی نظام جمهوری اسلامی، در جریان قرار دادن داراب فروزان در طرح براندازی و انفجار بیت امام و به شهادت رساندن ایشان، ایفای نقش رابط برای تهیه نقشه محل سکونت امام و برقراری تماس بین عامل نظامی با صاحب خانه‌ای در مجاورت منزل امام برای شناسایی و تخریب منزل ایشان. اتهام های داراب فروزان نیز عبارت است از: شرکت در توطئه براندازی، تهیه نقشه از منزل امام و تعیین موقعیت منزل خودش، ملاقات با عامل نظامی و بردن وی به منزلش برای شناسایی محل سکونت امام و در اختیار قرار دادن خانه خود و اقدام برای تهیه خانه دیگری در اطراف منزل امام برای به شهادت رساندن ایشان.

در این دادگاه، متهمان ضمن اعتراف به آگاهی از نیت خریداران برای انفجار بیت امام، همکاری خود را با آنها، از ساده‌لوحی و بی‌اطلاعی دانستند و از دادگاه تقاضای عفو کردند.*^(۱۳)

۱۵۲

در پی رבוته شدن دیوید داچ رئیس ۵۸ ساله دانشگاه امریکایی بیروت در این شهر، امروز خبرگزاری یونایتدپرس، بدون هیچ مدرکی اعلام کرد: «سخنان سفیر ایران در بیروت، این گمان را که دیوید داچ رئیس دانشگاه امریکایی بیروت، در یک اقدام تلافی‌جویانه نسبت به ناپدید شدن دیپلمات ایرانی، رבוته شده است، تقویت می‌کند.» این خبرگزاری می‌افزاید: «منابع سیاسی امریکا گفتند، آنها اطلاعاتی دارند که نشان می‌دهد، داچ تا یک هفته پیش زنده بوده است، اما درباره اینکه تضمین حفظ جان وی به عهده کیست، سخنی نگفتند. سوءظن در این واقعه، متوجه گروه لبنانی طرفدار ایران است. یکی از دلایل آن ناپدید شدن محسن موسوی کاردار سفارت ایران، دوهفته پیش از رבוته شدن داچ است. ایران فالانژیست‌های ساکن شرق بیروت را مسئول این حادثه می‌داند.

* متن گزارش روزنامه جمهوری اسلامی از برگزاری این دادگاه در ضمیمه این گزارش آمده است.

فخر روحانی سفیر ایران در لبنان، روز دوشنبه پس از ملاقات با شفیق ورزان نخست‌وزیر لبنان - که به‌طور مؤثری در پی یافتن رئیس دانشگاه آمریکایی است - نقطه نظر مذکور را مورد تأیید قرار داد. او گفت: شصت درصد مردم لبنان، جمهوری اسلامی ایران را دوست دارند و ما نمی‌توانیم آنها را از انجام چنین کارهایی باز داریم، اما به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی عمل ربودن داچ را همچون ربوده شدن آقای موسوی تقبیح می‌کنم»^(۱۴)

۱۵۳

توسعه همه‌جانبه روابط عراق و آمریکا و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم آمریکا از عراق در جنگ با ایران و تلاش‌های دولت‌های عربی به خصوص عربستان در حمایت از صدام در جنگ علیه ایران و تلاش برای نجات وی از بحران موجود، محتوای مقاله تحلیلی روزنامه اطلاعات است. این روزنامه با یادآوری این نکته که دو کشور عراق و آمریکا به‌رغم داشتن روابط سیاسی و اقتصادی وسیع، وانمود می‌کردند که هیچ رابطه رسمی‌ای با یکدیگر ندارند، به مواردی از وجود رابطه اقتصادی و نظامی بین آمریکا و عراق اشاره کرده است: چندی پیش دولت مصر با موافقت دولت آمریکا اجازه یافت تا تجهیزات و امکانات نظامی خاصی را در اختیار عراق قرار دهد. اعزام خلبانان مصری برای خدمت در نیروی هوایی عراق و فروش مقادیر زیادی از سازویرگ‌های نظامی پس از عملیات رمضان، در راستای حمایت آمریکا از عراق و با موافقت کاخ سفید صورت گرفت. همچنین دولت آمریکا عکس‌های ماهواره‌ای جاسوسی و اطلاعات جمع‌آوری شده توسط آواکس‌های آمریکایی در عربستان از وضعیت جبهه‌های ایران را در اختیار دولت عراق قرار می‌دهد تا دولت عراق قادر شود از حملات و اقدامات ایران مطلع شده و با آنها مقابله کند.

این مقاله با اعلام اینکه تا کنون دولت آمریکا در سطح وسیع و به صورت پنهانی و از طریق دولت‌های عربی منطقه در امور اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی رابطه گسترده‌ای با عراق داشته و از این کشور حمایت کرده است، به سفر اخیر سولارز رئیس کمیته فرعی آسیا و پاسفیک از کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا به بغداد اشاره کرده و افزوده است: سولارز در سفر به بغداد با نعیم حداد رئیس مجلس عراق و تنی چند از مقامات عراقی ملاقات و با آنان درباره تحولات جنگ عراق و ایران به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع مورد علاقه دو کشور، گفت‌وگو کرد. در ادامه مقاله آمده است، دیدار یک مقام رسمی سیاست خارجی آمریکا از بغداد و مذاکره وی با مقامات عراقی درباره جنگ با ایران را باید نقطه عطفی در آشکار شدن روابط گسترده بین عراق و آمریکا و حمایت علنی آمریکا از عراق در جنگ با ایران به حساب آورد.

نویسنده مقاله سپس حمایت‌های مالی، سیاسی و نظامی کشورهای حامی آمریکا در منطقه را از عراق بررسی کرده و نوشته است: دولت آمریکا علاوه بر ارائه کمک‌های مستقیم

نظامی به عراق برای جنگ با ایران، برنامه حمایت گسترده مالی و نظامی کشورهای متبوع خود در منطقه را از عراق نیز طراحی کرده است و در چارچوب این طرح، دولت عربستان به عنوان اصلی ترین تأمین کننده نیازهای مالی دولت عراق به شمار می رود. بر اساس اخبار رسیده از عربستان، دولت این کشور هر ماه یک میلیارد دلار بابت هزینه جنگ عراق علیه ایران در اختیار دولت این کشور قرار می دهد. علاوه بر آن، دولت عربستان قبول کرده است که به نیابت از عراق ماهیانه مقدار زیادی نفت اعراب را از بنادر خود در دریای سرخ صادر کند. به همین دلیل است که عراق نیز در کنار عربستان در اجلاس اضطراری تیرماه گذشته اوپک، با تغییر سهمیه فروش اعضا به مخالفت برخاست.^(۱۵)

۱۵۴

روزنامه نیویورک تایمز در شماره اخیر خود در مقاله ای درباره جنگ ایران و عراق، با اشاره به وضعیت نظامی عراق در جنگ، نیروی نظامی این کشور را "قدرتمند" خوانده است. در قسمتی از این مقاله آمده است: «تحلیلگران نظامی در ایالات متحده و انگلیس، گزارش می دهند نیروهای ایرانی که در ماه ژوئیه (تیر و مرداد) عراق را اشغال کرده اند، در حال آماده شدن برای یک تهاجم دیگر علیه بصره بوده و همچنین طرح های حملاتی در مرزهای منطقه کرمانشاهان در شمال را دارند. تحلیلگران غربی گفته اند که تلفات ایران در ماه ژوئیه (تیر و مرداد) سنگین بوده است. یک رقم تخمینی این است که ایرانی ها در حمله خود شش هزار کشته دادند ... [اما] عراق می گوید که ۲۸ هزار ایرانی را کشته است. بنا به اظهارات یک وابسته نظامی غربی استحكامات عراق همچنان بدون عیب پابرجاست و همچنین با افزودن توپخانه و موشک های کوتاه برد، این استحكامات تقویت شده است. ... نفوذ و هرگونه تهاجم جدید ایران به بصره بعید می باشد. ضعف در نگهداری و تعمیر هواپیماها و خسارات وارده در درگیری های اولیه ظاهراً سلاح هوایی ایرانی ها را تضعیف کرده، اولی [عراقی ها توانایی هوایی کوچک ولی ظاهراً مؤثری را حفظ کرده اند. هدف اصلی حملات هوایی عراق تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک واقع در خلیج فارس حدود صد و پنجاه مایلی در جنوب شرقی آبادان بوده است].»^(۱۶)

۱۵۵

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از آلمان، امروز دولت آلمان ۵ دانشجوی از ۸۳ دانشجوی مسلمان ایرانی را که از چهار ماه پیش به جرم طرفداری از انقلاب اسلامی ایران در زندان های این کشور به سر می بردند، اخراج کرد. دولت آلمان این دانشجویان را با هواپیما به استانبول فرستاد تا از طریق ترکیه به ایران بازگردند.

"گوبرت" وکیل دانشجویان ایرانی در آلمان، در این باره گفت: حکم اخراج این عده بدون اطلاع وی به مورد اجرا درآمده است.^(۱۷)

ضمیمه گزارش ۱۵۱

متن گزارش روزنامه جمهوری اسلامی از جریان دادرسی امروز به این شرح است:

«دادگاه دو تن از اعضای گروهک صادق قطب‌زاده به نام‌های حسین شاه‌ویسی و داراب فروزان صبح امروز به ریاست حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری، (حاکم شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران) آغاز به کار کرد.

به گزارش خبرنگار سرویس خبری جمهوری اسلامی ساعت ۱۱ صبح دادگاه با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد. نخست متن کیفر خواست متهمین قرائت شد:

اتهامات حسین شاه‌ویسی

الف - شرکت در توطئه براندازی.

ب - در جریان قرار دادن داراب فروزان در طرح براندازی و انفجار بیت و به شهادت رسیدن امام و دعوت از وی جهت همکاری ایفای نقش رابط جهت تهیه نقشه بیت امام و ایجاد تماس بین عامل نظامی با صاحب خانه مجاور بیت امام، جهت شناسائی و تخریب بیت و مشاوره و تبادل نظر درباره کوبیدن بیت امام از راه دور با عامل نظامی.

اتهامات داراب فروزان:

الف - شرکت در توطئه براندازی.

ب - تهیه نقشه بیت امام و موقعیت منزل خودش در اطراف بیت.

ج - ملاقات با عامل نظامی و بردن او به منزلش جهت شناسائی بیت امام.

د - بحث درباره چگونگی انفجار و تخریب بیت امام.

ه - در اختیار قرار دادن منزلش به توطئه‌گران جهت انفجار بیت امام و به شهادت رساندن معظم له.

و - اقدام برای در اختیار قرار دادن خانه دیگر که مقابل بیت امام است جهت شناسائی.

آنگاه دادستان افزود: با توجه به شرح فوق رسیدگی نهائی به اعمال آنان و صدور حکم شرعی در مورد هر یک مورد تقاضا است.

به گزارش خبرنگار ما پس از قرائت متن کیفر خواست متهم ردیف یک (شاه‌ویسی) به دفاع از خود پرداخت. وی در مورد شرح ماجرا گفت: ساختمانی که در جماران است قرار بود از طرف بیت امام خریداری شود و یک سری مذاکرات با آقای فروزان برای فروش منزل شده بود. او به من گفته بود و من گفتم کار خوبی است؛ و من در ملاقاتی که با آقای قطب‌زاده داشتم ضمن اینکه گفت، چه خبر، من این داستان را شرح دادم و ایشان هم گفت، کار خوبی است. تا اینکه مدتی گذشت و به ایشان از طرف ستاد مبارزه با مواد مخدر گفته بودند، باید منزلش را ترک کند؛ و به من گفته بود بگرد برای من جایی پیدا کن و بعد یک روز آقای قطب‌زاده از من سوال کرد: منزلی که مال آقای فروزان بود چه شد؟ و من گفتم: چطور؟ ایشان به من گفتند: آدرس آنجا را بده تا من کسی را بفرستم آنجا را ببیند. من آدرس را بلد نبودم و به فروزان گفتم، ایشان آدرس را کشید، دادم به آقای قطب‌زاده. ایشان گفتند: دقیق نیست، نمی‌شود پیدا کنم؛ و من باز به فروزان گفتم و یک روز آقای قطب‌زاده فردی را به من معرفی کرد که بیاید منزل را ببیند به اسم حاج تقی، که من نمی‌دانستم حاج تقی عامل نظامی است و الان فهمیدم و من وقتی به او گفتم: برای چه می‌خواهی آنجا را ببینی؟ گفت: می‌خواهم ببینم شرایطش چیست کجا قرار گرفته. من هم عین این را به فروزان گفتم و بعد ایشان گفتند: بیائید بریم ببینیم. فردایش سه نفری به اتفاق حاج تقی رفتیم ساختمان را دیدیم حاج تقی ساختمان را دید، در حال بازگشت گفت: اینجا را کنترل زیادی هم نمی‌کنند می‌شود خیلی چیزها آورد مثل آهن آلات خمیر مانند؛ بعد هم گفت: همه چیز می‌شود آورد. آقای فروزان گفتند: به فرض هم که آوردی می‌خواهی چکار کنی؟ و ما تقریباً مسخره گرفتیم. در جلسه بعد که او را دیدم چون این حرف‌ها را زده بود ما به ایشان گفتیم، خانه را نمی‌فروشیم. گفت: برای چی نمی‌فروشید می‌ترسید. گفتیم: نه؛ گفت: پس ماشینتان را بفروشید؛

ایشان باز گفت: نه؛ بعد گفت: پس بگذار بیایم سرایدار بشوم در خانه‌تان؛ گفت: نه من سرایدار نمی‌خواهم. ما این را مسخره گرفتیم. مسئله دوم که گفتید، کوبیدن بیت از راه دور؛ به من نگفت از راه دور گفت: سوار بلیزر می‌شویم و می‌زنیم به در آهنی و منفجر می‌کنیم. یعنی به‌نظر من هیچ شکی نکردم چنین مسئله‌ای در قاموس این شخص باشد. بعد هم من، با آقای قطب‌زاده تماس گرفتم و گفتم: آقای قطب‌زاده به این شخص بگوئید دیگر با من تماس نگیرد؛ و این تمام ملاقات من با آن عامل نظامی بوده، از جریان اینکه اینها چنین قصدی داشتند، به چه دلیل می‌گویم که من اطلاعی نداشتیم، یکی اینکه وقتی به آقای قطب‌زاده گفتم: خانه را نمی‌فروشیم، ایشان اصرار نکرد که حتماً بفروش؛ مسئله دوم، من جلوگیری از فروش ساختمان کردم و نفروختم به آن عامل نظامی. سوم، قبل از دستگیری من یک تلفن ناشناس به منزل ما شد و گفت: دفترهای مخابرات به هم خورده، آدرس این تلفن را بدهید. خوب اگر من در کودتا بودم این برای من زنگ هشدار نبود که فرار کنم، و این نشان می‌دهد که من اصلاً خبر از توطئه نداشتیم این تمام جریانی بود که من در آن بودم.

حاکم شرع: شما خبر نداشتید که اینها خانه را برای چه می‌خواهند؟

متهم: من اصلاً شک داشتم که آقای قطب‌زاده بخواهد چنین کاری بکند و اعتقاد نداشتیم به کار اینها. وقتی من به قطب زاده گفتم: خانه را برای چه می‌خواهی؟ و قطب‌زاده به من گفت: می‌خواهم خانه را خرابش کنم! می‌خواهم ببینم موقعیتش کجاست. حالا من نمیدانم شما اسم این را می‌گذارید بی‌اطلاعی؛ و بعد از این بلافاصله وقتی حاج تقی این را مطرح کرد من گفتم، خانه را نمی‌فروشیم. من تا قبل از آن چون آقای قطب‌زاده را می‌شناختم و اعتقاد داشتم می‌گفتم چنین کاری نمی‌کند، ولی وقتی این شخص مطرح کرد، گفتیم، نمی‌فروشیم.

دادستان: مطالبی که آقای شاه‌پرسی در تحقیقات گفتند اعترافاتی است که کاملاً صریح و روشن است. ایشان چگونگی شرکت و دخالت خودشان را در این عمل ضد اسلامی و همچنین نحوه دخالت فروزان را مشروحاً از صفحه ۲۲ پرونده به بعد بیان کردند. این چیزهایی که الان عرض کردند، مربوط به صفحات اول پرونده است. مثل اینکه ایشان یادشان رفته بعد چه اعترافات صریحی دارند و بنده قسمتی از اظهارات ایشان را که دخالت در این عمل دارد، از روی بازجویی می‌خوانم. سؤال می‌شود از ایشان که چه موقع جریان براندازی و انفجار بیت امام را به داراب فروزان گفتید و آیا اصولاً این مطلب را شما با او در میان گذاشتید یا شخص دیگری؟ جواب می‌دهند، قبل از اینکه نقشه کشیده شود من گفتم قطب‌زاده این طور گفته که وضع مملکت خراب است، اقتصاد بر باد رفته. این حرف‌ها که قطب‌زاده به من گفت، من هم به تو بگویم که از روحانیت عده‌ای او را تأیید کردند، و ارتش هم عده زیادی او را قبول دارند. او هم نقشه را کشید و او یک بار بیش‌تر قطب‌زاده را ندیده بود در آن دفعه، قبل از اینکه این مطلب را برای او بگویم قطب‌زاده هم مثل اینکه مختصر گفت، بگو بابا این کار را تمام کن. در منزل قطب‌زاده، فروزان آنچنان تحت تأثیر قطب زاده بود که به او گفت، چشم. دادستان افزود: سؤال می‌شود آیا قبل از اینکه حاج تقی را به فروزان معرفی کنید به او گفته بودید که می‌خواهید بیت امام را منفجر کنید و احتیاج به نقشه دارید یا نه؟ جواب: بلی از انفجار با خبرش کردیم که چکار می‌خواهیم بکنیم که انفجار بیت و ساختمان [آن] هست. دادستان ادامه داد: این اظهارات شما هست یا خیر؟ متهم: بلی.

دادستان: مسئله دیگر خریدن ماشین به این صورت هست که آقای فروزان ماشینشان را که در آن محل برای پاسداران شناسائی شده است در اختیار قرار بدهند، برای جاسازی مواد منفجره که با انفجار اتومبیل‌های دیگر هم منفجر بشود و این را هم شما در اظهاراتتان نگفتید؟

متهم: در مورد ماشین، حاج تقی پیشنهاد کرد که می‌شود ماشینتان را بفروشید؟ فروزان به من گفت: این دیوانه است، چرا این قدر اصرار می‌کند؟ بعد فروزان گفت: بفرض هم که گرفتی چکار می‌کنی؟ و ممکن است آن آقا گفته باشد، ولی از طرف ما جدی گرفته نشده بود به همین خاطر قبول نکردیم و گر نه ماشین را به او می‌دادیم.



حسین شاهویسی و داراب فروزان به همراه صادق قطب‌زاده در دادگاه انقلاب ارتش

در مورد انفجار محل وقتی من به ایشان گفتم: نقشه را می‌خواهی برای چه؟ آقای قطب‌زاده گفتند: می‌خواهم چکار بکنم! می‌خواهم موقعیتش را بدانم، و من به فروزان گفتم: یعنی می‌خواهد امام را از بین ببرد به‌نظر من غیر ممکن است؛ و عرض کردم به محض فهمیدن از نفر سوم حاج تقی قبول نکردیم بفروشی و ایشان (فروزان) خبر نداشت یعنی این قدر حرف‌های طرف بی‌اساس بود که فروزان باور نکرده بود تا اینکه من گفتم: هر چه طرف گفت، بگو نه. ماجرا به این صورت بود.

دادستان: اگر ایشان باور نکرده بودند وقتی که سؤال می‌شود چند تا شیشه تی.ان.تی می‌شود آورد اینجا، یعنی با ماشین ایشان بیاورند چطور موضوع را جدی تلقی می‌کنند و می‌گویند آوردنش آسان است ولی پایین آوردنش مشکل است.

متهم: این را من نمی‌دانم فقط می‌دانم که گفت، می‌شود آورد. ایشان (فروزان) گفت: به فرض که آوردی چکار می‌خواهی بکنی؟ حاج تقی خودش را می‌خواست بزرگ جلوه بدهد و ما به همین دلیل مسئله را جدی تلقی نکردیم و به همین خاطر به همان نسبت کمی هم که شک داشتیم، جلویش را گرفتیم.

دادستان: عین مطالب را می‌خوانم. مسئله‌ای که چکار می‌خواهید بکنید نیست. [شما گفتید] و یا اینکه فروزان در ماشین او جاسازی می‌کنند و چند شیشه تی.ان.تی بیاورند که فروزان گفت، آوردنش آسان است بیرون آوردنش از ماشین امکان ندارد. پس از سلسله بحث‌هایی که شد در مورد چگونگی انفجار و اینکه حالا در مورد ساختمان رفتند در بام دیدند و منطقه را دیدند و گفتند، خیلی عالی است؛ و بعد هم گفتند، بهتر است از منزل بغلی ببینیم. [این حرف‌های شما بود] مسئله تی.ان.تی به این صورت مطرح است درحالی‌که الان غیر از این را مطرح می‌کنید.

متهم: عرض کردم این حرف‌هایی که این شخص می‌زد ما اعتقاد نداشتیم و می‌گفت، می‌خواهم مواد فلزی یا خمیری به شکل نان بربری بیاورم.

دادستان: به هر حال در تحقیقاتتان چنین نگفتید. این مطالبی که در پرونده هست و اعترافات صریح شما هست. قبول دارید؟

متهم: بله ولی تا آخرین لحظه من حرف‌های این شخص را جدی نگرفتم.

همین گزارش حاکی است، سپس حاکم شرع خطاب به صادق قطب‌زاده که در دادگاه حضور داشت، گفت: بفرمائید شما به چه ترتیب این آقایان را در جریان مسئله شناسائی جماران و در اختیار قرار دادن خانه‌اشان برای عملیات قرار دادید؟

قطب‌زاده: من در بازجویی‌ها گفتم، این آقایان از طریق بنده هیچ‌گونه در جریان امر قرار نگرفتند. فقط من یک بار به شاه‌ویسی گفتم، موقعیت محل آنجا را نسبت به منازل دیگر را برای ما بیاور. به هیچ عنوان چیز دیگری نگفتم. چون آن عامل نظامی از من خواسته بود. تا اینکه اینها چیزی آوردند به ما دادند که هیچ چیز نبود و من آن را دادم و به عامل نظامی و او گفت، بدر ما نمی‌خورد. پیشنهاد کردند ما برویم آنجا را ببینیم و ما معرفی کردیم و قرار شد بروند محل را ببینند. اینها رفتند و برگشتند و آن حاج تقی به من گفت، آنجا برای انفجار بسیار خوب است؛ و من گفتم، فکر نمی‌کنم توافق کنند و اینها وارد جریان هم نیستند. گفت: نه به نظر می‌آید این طور که من با آنها صحبت کردم زیاد هم موافق نیستند و مخالفند؛ و بعد هم آنها آمدند گفتند، نمی‌فروشیم؛ و بعد من به او گفتم، خانه منتفی است.

حاکم شرع خطاب به متهم (شاه‌ویسی) گفت: در پرونده‌تان هست: یک روز من پیش قطب‌زاده بودم که از من داستان ساختمان شوهرخواهرم را که قبلاً برای او شرح داده بودم پرسید و گفت: یک حرف می‌خواهم بزنم آن ساختمان را نشان یک کسی که می‌آید با تو آشنایش می‌کنم بده. اول چون قصد خریدن خانه مطرح بود، من فکر کردم برای خریدن می‌آید. سپس گفت: نه می‌خواهیم یک کارهائی انجام دهیم که بعد از دیدن به تو خواهیم گفت و یک فردی می‌آید و من تو را به او معرفی می‌کنم تا چه می‌تواند بکند. پرسیدم: چطور کارهائی؟ گفت: تخریب. گفتم: چطور؟ گفت: بعداً می‌گویم. پس انگیزه معرفی حاج تقی به من دیدن محل و شاید شناسائی و یا چگونگی تخریب آنجا بوده است.^(۱۸)

آنگاه آقای ری‌شهری قسمت‌های دیگری از اعترافات شاه‌ویسی را که در پرونده ضبط است، قرائت کرد که بر اساس آن شاه‌ویسی اعتراف کرده است که از دلیل بازدید حاج تقی از خانه کاملاً با اطلاع بوده است.

وی افزود: حاج تقی نیز در پرونده‌اش گفته است که آقایان مخصوصاً شاه‌ویسی در جریان کامل طرح بوده‌اند و فروزان را هم من در جریان گذاشتم و گفتم که نقشه ما و آقای قطب‌زاده چیست و ایشان هم بدون تردید قبول کردند. مخصوصاً آقای شاه‌ویسی دل پر خونی از روحانیت مبارز داشتند.

حاج تقی هم چنین در پرونده خود گفته است که آقای قطب‌زاده گفتند، اگر امام در اثر انفجارات احیاناً شهید نشدند و خواستند محل را ترک کنند حتماً با آرپی‌جی زده شود؛ که ایشان (قطب‌زاده) تأکید داشتند، با زنده ماندن امام تمام رشته‌ها پنبه خواهد شد.

قطب‌زاده در پاسخ به مسائل فوق گفت: تمام مطالبی که حاج تقی گفتند دروغ است و او نسبت به من یک حالت عناد دارد.

همین گزارش حاکی است، پس از دفاعیات شاه‌ویسی، داراب فروزان به دفاع از خود پرداخت. وی گفت: در این رابطه که شما فرمودید در کیفر خواست من هست، اصلاً درباره کشتن امام یا توطئه تا این لحظه که اینجا هستم هیچ‌گونه دخالتی نداشتم و نمی‌دانستم جریان چه بوده؛ در رابطه با آقای قطب‌زاده، من فقط یک بار در محیط خانوادگی بودیم و تعدادی هم جمع بودند و در آنجا جز سلام و خداحافظی حرفی بین من و قطب‌زاده رد و بدل نشد. بعد در تعطیلات عید نوروز بود، آقای شاه‌ویسی با خانواده‌اش آمدند خانه ما دیدن و در همین رابطه صاحبخانه ما خیلی فشار می‌آورد که منزل را تخلیه کنم و چون آن منزلی که در جماران نیمه کاره بود، می‌خواستم بفروشم، آقای شاه‌ویسی که برادر خانم من هستند به من گفت: اگر خانه را می‌خواهید بفروشید مشتری هست. من سؤال کردم: مشتری کیست؟ گفت: قطب‌زاده است. ضمناً من آدرس و جای منزل را هم کشیدم به او دادم. چند روز بعد آقای شاه‌ویسی تلفن زد و ما رفتیم آنجا و یک آقا آنجا بود گفت: من حاج تقی هستم؛ که با ایشان رفتیم ساختمان را دیدیم بعد موقع برگشتن فقط ایشان یک کلمه پرسیدند: خانه امام کدام است؟ گفتم: خانه سه تا باغ آن طرف‌تر است. بعد از من پرسید: خانه را برای چه می‌خواهی بفروشی؟ گفتم:

دستور دادند چون ممکن است اینجا مواد منفجره بیاورند، برای این است و به هر کسی نمی‌شود فروخت. بعد او گفت: اتفاقاً این مسئله‌ای نیست خیلی راحت می‌شود مواد منفجره آورد توی مصالح کار گذاشت. گفتم: اصلاً نمی‌گذارند مصالح بیاوری، مگر خود من که آنهم با گشتن مصالح و دیدن می‌برم. بعد آمدم سوار ماشین شدیم، در ماشین از من پرسید: این خانه مجاور متعلق به کیست؟ من گفتم: الان یک آقای روحانی که من فکر می‌کنم دادستان کل انقلاب است در آن سکونت دارد. بعد من با ماشین خودم او را بردیم رساندیم و به من گفت: مدارک و فتوکپی و نقشه هوایی منزل را برای استعمال بیاور؛ و من اینها را تهیه کردم و به او دادم و هیچ صحبتی نشد. بعد از چند روز به آقای شاهویسی گفتم: پس فروش خانه چه شد؟ ایشان گفت: اصلاً دیگر با اینها صحبت نکن قصه را تمام شده فرض کن.

سپس آقای دادستان اظهار داشت: مطالبی که شاهویسی و حاج تقی در پرونده‌های خود گفته‌اند، کاملاً مشخص می‌کند که شما کاملاً در جریان امر بوده‌اید. ضمناً در موقع خرید یک خانه معمول نیست که نقشه هوایی آن را ارائه دهند و درخواست نقشه زمینی و هوایی کاملاً نشان می‌دهد که مسئله خرید خانه مطرح نبوده، حتی در مورد اینکه آیا می‌توان به اینجا شیشه تی.ان.تی آورد گفته‌اید، آوردنش آسان است اما انتقال آن مشکل، بنابراین هماهنگی که بین اعتراضات شاهویسی و حاج تقی وجود دارد کاملاً ثابت می‌کند که شما در این توطئه دخالت داشتید و اطلاع کامل داشته‌اید.

متهم گفت: چون ساختمان این خانه تمام نشده بود، این طبیعی است که من نقشه آن را نشان بدهم و من حتی به حاج تقی گفتم که تمام وسائلی را که در اینجا می‌بینی قبل از آوردن به اینجا بازرسی شده است. در اینجا حجت‌الاسلام ری شهری ضمن نشان دادن نقشه‌ای که داراب فروزان در اختیار قطب‌زاده قرار داده بود، از وی سؤال کرد: آیا [برای] فروش منزل احتیاج به نقشه جماران دارید؟ فروزان پاسخ داد: در هنگام فروش برای استعمال خانه این نقشه لازم است.

این گزارش حاکی است پس از دفاعیات فروزان، حسین شاهویسی در آخرین دفاع خود گفت: من گناهکار هستم ولی ساده‌لوحانه وارد جریان شدم و تقاضای عفو دارم. داراب فروزان نیز در آخرین دفاع خود گفت: من اصلاً اطلاعی از جریان توطئه نداشتم. به گزارش خبرنگار ما دادگاه در ساعت ۱۳:۳۰ با تکبیر حاضرین به کار خود پایان داد.^(۱۹)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۶۱/۶/۱۰

- ۱- سند شماره ۱۶۸۳۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی، قرارگاه کربلا (رکن ۲)، شماره ۵۸۸، ۱۳۶۱/۶/۱۰، ص ۳.
- ۲- سند شماره ۷۲۱۱۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد مرکزی (مرکز فرماندهی)، به قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۶/۱۱.
- ۳- سند شماره ۱۶۹۴۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی، قرارگاه عملیات قدس (رکن ۲)، شماره ۸۷، ۱۳۶۱/۶/۲۱، ص ۲.
- ۴- سند شماره ۱۶۸۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی، شماره ۱۶۹، ۱۳۶۱/۶/۱۴، ص ۱۵.
- ۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۱۳، ص ۲، سنج - خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۲۰، ص ۲۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه" شماره ۱۶۹، ۱۳۶۱/۶/۱۴، ص ۱۰، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۱۳.
- ۸- سند شماره ۷۲۱۲۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه منطقه ۵ (تبریز)، به فرماندهی مرکز، ۱۳۶۱/۶/۱۳.
- ۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۶۶، ۱۳۶۱/۶/۱۱، ص ۹، ارومیه - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۱۰.
- ۱۰- روزنامه کیهان، ۱۳۶۱/۶/۱۴، ص ۴.
- ۱۱- مآخذ ۹، ص ۸، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۱۰ - و - خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۶۷، ۱۳۶۱/۶/۱۲، ص ۶، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۱۱.
- ۱۲- سند شماره ۷۲۱۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی منطقه ۵، به فرماندهی کل، ۱۳۶۱/۶/۱۰.
- ۱۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۶/۱۱، صص ۱۷ و ۱۸.
- ۱۴- مآخذ ۹، ص ۱۱، بیروت - یونایتدپرس، ۱۳۶۱/۶/۱۰.
- ۱۵- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۶/۱۰، ص ۳.
- ۱۶- مآخذ ۹، ص ۶، واشنگتن - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۱۰.
- ۱۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۱۱، ص ۲.
- ۱۸- همان، ص ۱۱.
- ۱۹- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۶/۱۲، ص ۱۰.